

قیام ۱۵ خرداد و آمریکا

۱۳ فروردین ۱۴۰۳ ساعت ۲۳:۳۳

تبیین دقیق نقش آمریکا در قیام ۱۵ خرداد مسئله مهمی است. اسناد و منابع به جا مانده از آن دوران می‌تواند نقش آمریکا را تا حدود زیادی مشخص کند. در واقع نقش آمریکا در قیام ۱۵ خرداد را می‌توان شامل نقش مستقیم و نقش غیرمستقیم دانست.

قیام ۱۵ خرداد یکی از بزرگ‌ترین قیام‌های مردمی علیه حکومت پهلوی دوم بود. این قیام، اولین قیام ضدحکومتی بود که امام نیز به نوعی در محوریت آن قرار داشت. در جریان این قیام، مردم اقدامات حکومت از جمله حمله ساواک به مدرسه فیضیه و نیز دستگیری امام را محکوم کردند. علیرغم آنکه این قیام توسط مردمی غیرمسلح صورت گرفته بود اما توسط حکومت به خاک و خون کشیده شد. گفته شده است آمریکا نیز در روند سرکوب مردم در کنار حکومت قرار داشت. نقش آمریکا در این قیام هم قبل از شکل‌گیری قیام قابل مشاهده است و هم بعد از آن. با این حال سوالی که وجود دارد این است که نقش آمریکا در قیام ۱۵ خرداد دقیقاً چه بود؟ آیا این کشور در سرکوب مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز نقش داشت؟

نقش مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در قیام ۱۵ خرداد

تبیین دقیق نقش آمریکا در قیام ۱۵ خرداد مسئله مهمی است. اسناد و منابع به جا مانده از آن دوران می‌تواند نقش آمریکا را تا حدود زیادی مشخص کند. در واقع نقش آمریکا در قیام ۱۵ خرداد را می‌توان شامل نقش مستقیم و نقش غیرمستقیم دانست. آمریکا در هر دو حالت جزء بازیگران اصلی این قیام بود و نقش حمایت از شاه و حکومت را بر عهده گرفت:

نقش غیرمستقیم آمریکا در قیام ۱۵ خرداد

منظور از نقش غیرمستقیم آمریکا در قیام ۱۵ خرداد، مداخلات این کشور در امور داخلی ایران است که اعتراض امام و مردم را به دنبال داشت و در نهایت باعث قیام ۱۵ خرداد شد. آمریکا که بعد از جنگ جهانی دوم مجال نفوذ در کشور را یافته بود، مداخلات خود را با بسته اصلاحات اقتصادی و اجتماعی خود تحت عنوان انقلاب سفید به اوج رساند. قبل از انقلاب سفید، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شد که بسیاری از اصول آن در تضاد با قوانین اسلامی قرار داشت. البته رئیس‌جمهور آمریکا جان اف کندی نیز پیش از پیشنهاد انقلاب سفید، طی سخنانی گفته بود که مفاد انقلاب شاه و مردم نشان از اراده این ایرانیان برای انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به سبک آمریکا دارد. در واقع «جان اف. کندی» رئیس‌جمهور سابق آمریکا در نطق خود در کنگره آمریکا در ۲۵ مه ۱۹۶۱ یعنی تقریباً دو سال قبل از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اظهار داشت که «آمریکا نمی‌تواند به مشکلات کشورهای توسعه نیافته فقط از نظر نظامی (کودتا و یا تسخیر نظامی) توجه کند... پاسخ ما به خطراتی که متوجه این کشورهاست

باید جنبه خلاق و سازنده داشته باشد. ما می‌خواهیم در این کشورها امیدواری پدید آید.^[۱]»

انقلاب سفید شاه، دستور کندی برای اصلاحات و جلوگیری از وقوع انقلاب حقیقی در ایران بود. امام و مردم به خوبی از این قضیه آگاه بودند. اعتراض اولیه امام به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که با پیگیری سرسختانه امام لغو شد؛ اما شاه به جای آن بسته انقلاب سفید را تجویز کرد تا ثابت کند قادر به سرپیچی از دستورات آمریکا نیست. شاه حتی پیش از اجرای انقلاب سفید به طور تلویحی گفته بود که اگر این سیاست اجرا نشود او باید برود. این سخنان می‌توانست از یک سو به معنای مطیع بودن محض شاه در برابر آمریکا باشد و از سوی دیگر به معنای آنکه انقلاب سفید، سیاستی در راستای حفظ جایگاه سیاسی شاه است و نه اصلاحات به معنای واقعی آن.

نقش مستقیم آمریکا در قیام ۱۵ خرداد

منظور از نقش مستقیم آمریکا در قیام ۱۵ خرداد نیز حمایت این کشور در سرکوب قیام مردمی است. سیاستمداران آمریکا بعد از اطلاع از وقایع قیام ۱۵ خرداد ضمن آنکه دستور سرکوب حملات را صادر کردند، از کشتار مردم توسط حکومت نیز حمایت نمودند. جیمز بیل نویسنده کتاب شیر و عقاب در رابطه با نقش آمریکا در سرکوب قیام مردمی آورده است: نتیجه نهایی و نکته جالب سیاست اصلاحات کندی این است که آمریکا عمیق‌تر از هر زمان دیگر، در امور داخلی ایران درگیر شد. این کشور به دلیل حمایت از سیاست‌های اصلاحاتی و برنامه‌هایی نظیر سپاه صلح، وجهه آمریکا را در نزد گروه‌های خاصی از افراد طبقه متوسط بالا برد. با وجود این اقدامات سرکوبگرانه و خشن رژیم شاه به شکلی که هزاران ایرانی غیر مسلح تظاهرکننده را در کوچه‌ها و

خیابان‌های شهرهای سراسر کشور به خاک و خون کشید، این وجهه آمریکا را خدشه‌دار ساخت.^[۲]

گذشته از این، آمریکا بزرگ‌ترین حامی نظامی شاه نیز بود و کشتار مردم نیز با اسلحه‌هایی صورت گرفت که آمریکا در اختیار شاه قرار داده بود. در اسناد لانه جاسوسی نیز به طور تلویحی در گفتگویی که میان رحمت‌الله مقدم با یکی از اعضای سفارت آمریکا می‌شود به این موضوع اشاره شده است. در اسناد آمده است: «هر دو درباره این موضوع دل چرکین بودند. آنها معتقد بودند که اگر ایالات متحده پول سربازان شاه را نمی‌داد، دیکتاتوری هم وجود نمی‌داشت. آنها گفتند هرچه باشد اگر پول ارتش را شما نمی‌پرداختید، به طرف مردم ما در قیام ۱۵ خرداد شلیک نمی‌کردند.»^[۳]

البته نقش آمریکا در سرکوب جنبش‌های مردمی پیش از این نیز ثابت شده بود. این کشور در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز از شاه در برابر مردم و نهضت ملی حمایت کرده و او را نجات داده بود. در قیام ۱۵ خرداد نیز این دولت و به خصوص شخص کارتر طی بیانیه‌های مختلف به حمایت از شاه پرداخت. آمریکا که توسط عوامل خود تحولات ۱۵ خرداد را زیر نظر داشت، مشاوره و راهنمایی‌های لازم را به شاه ارائه می‌داد.

سخن نهایی

قیام ۱۵ خرداد به همان اندازه که قیامی علیه حکومت بود به همان اندازه نیز قیامی علیه سیاست‌های مداخله جویانه بیگانگان از جمله آمریکا بود. در واقع آنچه که امام را واداشت تا علیه حکومت پهلوی موضع‌گیری نماید، دخالت‌های گسترده آمریکا و اسرائیل در امور داخلی کشور بود. تا جایی که امام، شاه را نوکر و وابسته آمریکا می‌دانست. ایشان در سخنرانی خرداد ۱۳۴۲ نیز به این موضوع بارها و بارها به طور مستقیم اشاره کردند. قیام ۱۵ خرداد با مداخلت آمریکا در سرکوب اعتراضات نیز به شکلی دیگر از

حضور این کشور حکایت داشت. آمریکا که به شاه به عنوان مهره اصلی در برابر نفوذ رقیب خود یعنی شوروی نیاز داشت، در صدد بود تا به هر شکلی که شده است او را در جایگاه خود حفظ کند و مانع از انتقال قدرت به دشمنان آمریکا یعنی مردم و روحانیون شود.

[۱] - حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۹۱، ص ۲۳۹

[۲] - کامران غضنفری، «آمریکا مسئول اصلی کشتار ۱۵ خرداد»، روزنامه کیهان، پنجم بهمن ۱۳۹۲، ص ۶

[۳] - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد سوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۳۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۵۷۷/قیام-۱۵-خرداد-آمریکا>